

## تحلیل هزینه - فایده‌ی راهبرد حمایت همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا

محمدحسن خانی\* - محمدمسعود صادقی\*\*

(دریافت: ۹۳/۱/۱۸ پذیرش: ۹۳/۴/۴)

### چکیده

سیاست خارجی ایالات متحده‌ی آمریکا در دهه‌های گذشته بر حمایت همه‌جانبه و همسویی مطلق با منافع اسرائیل در منطقه‌ی خاورمیانه و در سطح نظام بین‌الملل استوار بوده است. این حمایت همه‌جانبه علاوه بر منفعی که برای ایالات متحده داشته هزینه‌هایی را نیز برای این کشور در پی داشته است. از آن‌جا که بر مبنای نظریه‌ی تصمیم‌گیری عقلایی (*Rational Decision Theory*) افراد تصمیم‌گیرنده‌های منطقی و عقلایی هستند، سود و زیان احتمالی هر عمل را محاسبه می‌کنند و بهترین تصمیم را با استفاده از عقل و منطق خود بر می‌گزینند، این مقاله بر آن است تا با استفاده از مدل تصمیم‌گیری تحلیل هزینه-منفعت (*Cost-Benefit Analysis*) به این سؤال پاسخ دهد که حمایت ایالات متحده‌ی آمریکا از اسرائیل چه منافع و هزینه‌هایی برای این کشور داشته است. بر اساس یافته‌های این تحقیق هزینه‌های مالی ناشی از کمک‌های سالیانه، محدودش شدن رابطه‌ی آمریکا با جهان اسلام، هزینه‌های مرتبط با جنگ‌های متعدد در خاورمیانه، که به بهانه‌ی تأمین امنیت اسرائیل آغاز شده‌اند نظیر جنگ‌های ۳۳ و ۲۲ روزه لبنان و غزه و نیز اشغال عراق و افزایش احساسات ضد آمریکایی در جهان در زمره‌ی هزینه‌های این حمایت به شمار می‌رود. جلب و تضمین حمایت همه‌جانبه‌ی اسرائیل و لابی صهیونیستی از دولت آمریکا در زمره‌ی مهمترین منفعتهای حمایت آمریکا از اسرائیل می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، تحلیل هزینه-فایده، راهبرد حمایتی، ایالات متحده آمریکا، اسرائیل، لابی یهودی

Email: mh\_khani@yahoo.com

\* دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup> (نویسنده مسئول)

Email okmasoud@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## مقدمه

ایالات متحده‌ی آمریکا به عنوان قدرت برتر در نظام بین‌الملل، نقش بسیار مهمی را در جهت‌دهی به روند تحولات در نظام بین‌الملل ایفا می‌کند. تا آن‌جا که به تحولات منطقه‌ی خاورمیانه در شش دهه‌ی گذشته مربوط می‌شود، سیاست خارجی ایالات متحده‌ی آمریکا در درجه‌ی اول بر حمایت همه‌جانبه و همسویی مطلق با منافع اسرائیل در منطقه‌ی خاورمیانه و در سطح نظام بین‌الملل بوده و هست. با توجه به تقابل استراتژیک و عقیدتی جمهوری اسلامی ایران با منافع اسرائیل در منطقه، حمایت ایالات متحده از اسرائیل در خاورمیانه، به عنوان یک تهدید برای جمهوری اسلامی ایران مطرح است و بر این اساس، شناخت هزینه‌ها و منافع آمریکا در این حمایت همه‌جانبه از اسرائیل برای جمهوری اسلامی ایران ضروری به نظر می‌رسد. چرا که بر مبنای یک بر آورد واقع‌بینانه از دامنه و عمق هزینه‌ها و منافع متصور برای آمریکا و با ارزیابی میزان درک و تعریف آمریکا از این هزینه‌ها و منافع و سپس میزان آمادگی و تعهد آمریکا نسبت به آن‌هاست که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند سیاست‌های کلان و درازمدت خود را در قبال اسرائیل طراحی و تنظیم نماید.

بر مبنای نظریه‌ی تصمیم‌گیری عقلایی استفاده از مدل تحلیل هزینه-منفعت (Cost-Benefit Analysis) امروزه امری رایج در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی محسوب می‌شود. از این طریق همه‌ی هزینه‌ها و منافع یک تصمیم را ارزیابی و تحلیل می‌کنند و سپس به تصمیم‌سازی می‌رسند.

نظریه‌ی تحلیل هزینه-منفعت در ابتدا جهت تجزیه و تحلیل تصمیمات مالی و اقتصادی دولت‌ها و حکومت‌ها استفاده می‌شد. اما امروزه با گسترش وجوه، جوانب و عوارض یک تصمیم در سرنوشت یک حکومت، نیاز به در نظر گرفتن هزینه‌ها و منافع یک تصمیم در صحنه‌ی روابط بین‌الملل امری کاملاً ضروری است. خصوصاً این که حکومت تصمیم‌گیرنده دارای گستره‌ی نفوذ بالایی در تحولات بین‌المللی باشد. به عنوان مثال دولت آمریکا، در یک دوره تصمیم به اشغال خاک عراق می‌گیرد و بر مبنای لحاظ نمودن منافع خویش در این اشغال، تصمیم خود را عملی می‌کند و هزینه‌های بسیار بالایی را جهت نیل به این هدف پرداخت می‌کند. اگر با گذشت زمان و فرسایشی شدن این اشغال، هزینه‌های این کشور افزایش یابد و بر منافع سنگینی کند این کشور متضرر می‌شود و چنان‌چه ارزیابی هزینه‌ها و منافع این تصمیم‌گیری دقیق‌تر صورت گیرد، مسلماً در نحوه‌ی اتخاذ تصمیم و شیوه‌ی عملی نمودن آن،

تغییراتی حاصل خواهد شد. بر این مبنا، تحلیل هزینه-منفعت یک سیاست و یا یک تصمیم در حوزه‌ی روابط بین‌الملل می‌تواند از بسیاری هزینه‌ها و آسیب‌های احتمالی بر منافع ملی یک کشور یا منافع یک منطقه و حتی سراسر جهان، جلوگیری کند. از این رو است که این نظریه امروزه عملاً کاربرد بسیاری در حوزه‌ی روابط بین‌الملل پیدا کرده است.

### تاریخچه‌ی "تحلیل هزینه-منفعت"<sup>۱</sup>

ایده‌ی اولیه‌ی این روش تحلیل از سوی مهندسی فرانسوی به نام «دوپویت»<sup>۲</sup> آغاز گردید، اما اقتصاددان بریتانیایی، «آلفرد مارشال»<sup>۳</sup> بود که مفاهیم بنیادین این ایده را بعنوان پایه CBA مطرح کرد. البته توسعه‌ی عملی CBA در سال ۱۹۳۶ توسط یگان مهندسی نیروی زمینی آمریکا به عنوان روشی برای تصمیم‌گیری در خصوص احداث یا عدم احداث سیل‌بند بر روی آب‌های جاری ابداع گردید. این روش به دلیل سادگی و در عین حال موثر بودن مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و هنوز بیش از بیست سال گذشته بود که در دهه‌ی ۱۹۵۰ اقتصاددانان تلاش بسیاری کردند تا مجموعه‌ای منسجم از روش‌ها را برای اندازه‌گیری منافع و هزینه‌ها کشف کنند و ببینند آیا یک پروژه ارزش صرف وقت را دارد یا نه؟! و بدین ترتیب بود که این روش به ادبیات اقتصادی جهان راه یافت.

### تعریف تحلیل هزینه - منفعت

تعاریف متعددی از روش تحلیل هزینه-منفعت وجود دارد. از نظر «بوردمن»<sup>۴</sup> این نوع تحلیل، روش وزن مقیاس، برای تصمیم‌گیری است و به مثابه ترازو عمل می‌کند (لطفعلی پور، ۱۳۸۶، ص ۸۵). بدین صورت که تمام عناصر مثبت یک پروژه (منافع) در یک کفه ترازو و تمام عناصر منفی و مضرات (هزینه‌ها) نیز در کفه‌ی دیگر قرار داده می‌شوند و آن طرف برنده می‌شود که سنگین‌تر باشد. به بیان ساده‌تر اگر کفه منافع سنگینی کند پروژه اجرا می‌شود و اگر کفه هزینه‌ها سنگینی کند آن پروژه به مرحله‌ی اجرا نخواهد رسید. که امروزه این نظریه به طور جدی در حوزه‌ی روابط بین‌الملل نیز وارد شده است. به عبارت دیگر، تحلیل هزینه-منفعت

1. CBA: Cost Benefit Analysis.

2. Dupit

3. Alfred Marshal

4. Boardman

یک منطق تصمیم‌گیری است که بر مبنای محاسبه‌ی پیامدهای محتمل گزینه‌های مختلف تصمیم عمل می‌کند. تحلیل هزینه-منفعت به پنج سوال اساسی پاسخ می‌گوید:

- ۱- چه منافع مستقیمی از این هزینه عاید خواهد شد؟
  - ۲- چه منافع غیرمستقیمی از این هزینه عاید خواهد شد؟
  - ۳- آیا منافع حاصل، نسبت به هزینه‌های حاصل شده بیشتر است؟
  - ۴- اگر هزینه انجام نشود چه زیان‌هایی واقع خواهد شد؟
  - ۵- اگر این اقدام ضروری است آیا گزینه‌ی کم‌هزینه‌تری برای انجام آن وجود دارد؟
- این روش تحلیلی کمک می‌کند تا تصمیم مناسب برای ایجاد حداکثر منافع در مقابل حداقل هزینه‌ها مشخص شود. تحلیل هزینه-منفعت در چهار گام اساسی انجام می‌گیرد:

الف) تعیین فضای تصمیم

ب) تعیین پیامدها

ج) احتمال وقوع

د) ارزش مورد انتظار

در ادامه به بررسی و تبیین هر کدام از این گام‌ها پرداخته می‌شود و حتی‌الامکان به صورت مصداقی نیز هر مورد توضیح داده خواهد شد.

#### الف) تعیین فضای تصمیم

در این مرحله با مشخص کردن گزینه‌های ممکن برای تصمیم‌گیری، فضای تصمیم مشخص می‌شود. هر چه فضای تصمیم گسترده‌تر باشد امکان دستیابی به یک تصمیم بهینه بیشتر می‌شود، هر چند هیچ‌گاه اطمینان قاطعی در مورد حقیقت این امر وجود ندارد. گزینه‌های تصمیم می‌بایستی به طور متقابل جامع و مانع باشند. مانع بودن آن‌ها بدین مفهوم است که گزینه‌ها نمی‌بایستی فصل مشترکی با هم داشته باشند (یعنی به طور همزمان و با حفظ همه‌ی شرایط دو گزینه با هم اتفاق بیفتد) و می‌بایستی جامع باشند، زیرا حداقل یکی از آن‌ها می‌بایستی به وقوع پیوندد. به عنوان مثال داشتن روابط حسنه با جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند در کنار همسویی با رژیم صهیونیستی به وقوع پیوندد. و یا این که حمایت ایالات متحده از اسرائیل نمی‌تواند بدون خدشه‌دار شدن روابط این کشور با کشورهای اسلامی ادامه داشته باشد زیرا آمریکا در صورت انتخاب یک گزینه، دیگر گزینه‌ها را از دست خواهد داد.

**ب) تعیین پیامدها**

در این مرحله می‌بایستی پیامدهای ممکن هر گزینه برآورد شود. این پیامدها می‌بایستی از جنس یکدیگر باشند. ارزش‌گذاری این پیامدها می‌بایستی معقول و همه‌پذیر باشد. یک معیار همه‌پذیر در حوزه‌ی روابط بین‌الملل می‌تواند میزان محبوبیت یک کشور در افکار عمومی جهان باشد. در تعیین منافع و هزینه‌های یک گزینه نمی‌بایستی فصل مشترکی وجود داشته باشد زیرا در این صورت معیار مشترک به طور مضاعف به حساب گرفته خواهد شد. مهم‌ترین پیامدهای سیاست حمایت آمریکا از اسرائیل را می‌توان کاهش محبوبیت ایالات متحده در نزد افکار عمومی جهان و افزایش احساسات ضد آمریکایی در جهان دانست.

**ج) احتمال وقوع**

پیامد گزینه‌ها با یک روش برآوردی تعیین می‌شود. برآوردها معمولاً قطعی نبوده و با احتمال معینی مورد انتظار هستند. هر قدر احتمال وقوع یک پیامد (سود یا زیان) بیشتر باشد می‌بایستی در تحلیل، مورد ملاحظه‌ی بیشتری قرار گیرد. در این مرحله برای پیامدهای محتمل یک گزینه، سه حالت «خوشبینانه، واقع‌بینانه و بدبینانه» در نظر گرفته شده و احتمال وقوع هر یک برآورد می‌شود.

به عنوان مثال ایالات متحده‌ی آمریکا باید پیامدهای یک سو‌نگری در خصوص حمایت از اسرائیل را در سه حالت فوق مشخص نماید که این پیامدهای طیف‌گونه در خوش‌بینانه‌ترین حالت منجر به تیرگی روابط با دشمنان اسرائیل و در بدبینانه‌ترین شکل سبب وقوع جنگ‌های منطقه‌ای و یا حتی جهانی خواهد شد.

**د) ارزش مورد انتظار**

در مرحله‌ی نهایی، مجموع حاصل ضرب پیامدهای یک گزینه در احتمال تأثیرگذاری آن، ارزش مورد انتظار برای هر گزینه را مشخص می‌کند. ارزش مورد انتظار هر گزینه، مطلوبیت آن را نشان می‌دهد و تفاضل این ارزش با بهترین ارزش، فرصت از دست‌رفته به شمار می‌آید. فرصت از دست‌رفته، هزینه‌ی عدم انتخاب گزینه‌ی بهینه و به نوعی زیان عدم نفع است. که در مکانیزم تصمیم‌گیری استراتژیک می‌بایستی به صفر (حداقل) رسانده شود (Henry M. Levin, Patrick j. McEwan 2006).

در خصوص حمایت آمریکا از اسرائیل نیز ارزش مورد انتظار برای آمریکا در حمایت از اسرائیل همسویی کامل منافع ملی این کشور در همه‌ی ابعاد با منافع اسرائیل در منطقه است، تا هزینه‌های این حمایت به حداقل رسیده و منافع آن افزایش یابد. در این میان فرصت از دست رفته برای ایالات متحده روابط ویژه‌ی اقتصادی با کشورهای جهان اسلام است.

تحلیل هزینه-منفعت یک روش ریاضی است، ولی آن چه بیش از این روش اهمیت دارد درک فلسفه و مفهوم این تحلیل است. در عالم سیاست، تصمیم‌گیری بر مبنای تحلیل هزینه-منفعت سبب می‌شود کمترین فرصت به رقیب داده شود و اگر اتخاذ یک تصمیم در حوزه‌ی سیاست خارجی برای کشور «الف» دارای هزینه‌های بالایی باشد کشور «ب» می‌تواند از این فرصت استفاده کرده و هزینه‌های بسیاری به منافع کشور «الف» در سطح بین‌المللی وارد سازد. اما نقطه ضعف بزرگ تحلیل هزینه-منفعت این است که در بیشتر موارد بر مبنای پیش‌بینی‌های نادرست در مورد رویدادهای آینده و آمار ناقص و حتی کاذب قرار داشته و دارد (لطفیان، رهنورد، ۱۳۸۶، صص ۱۷۱-۲۰۸).

**بررسی و تحلیل مهمترین منافع و هزینه‌های آمریکا در قبال حمایت از اسرائیل**

گر چه بنا بر رأی اکثریت قاطع صاحب‌نظران مهمترین دلیل حمایت ایالات متحده از اسرائیل، نفوذ لابی صهیونیستی در ارکان و ساختار قدرت آمریکاست (جیمز پتراس، ۱۳۸۷، ۲۴۶). با این وجود چرایی این مسأله با توجه به نظریه‌ی تحلیل هزینه-منفعت یک سوال بزرگ است که در قالب سؤال اصلی این مقاله ارائه گردیده و آن این است که حمایت از اسرائیل چه منافع و چه هزینه‌های مستقیمی برای آمریکا در برداشته است؟

#### ۱- هزینه‌ها

از دیدگاه «استفین والت»<sup>۱</sup> و جان میرشایمر<sup>۲</sup> نویسندگان کتاب «لابی اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا»، نفوذ لابی اسرائیل در چندین زمینه باعث ضربه به منافع ایالات متحده می‌شود: "نخست؛ خطر تروریسم را که همه‌ی دولت‌ها از جمله متحدان اروپایی آمریکا با آن مواجه‌اند افزایش می‌دهد، دوم این که پایان دادن به منازعه با فلسطینی‌ها و اعراب را غیرممکن

1. Stephen Walt.

2. John Mearsheimer.

کرده است، سوم؛ وضعیتی که به افراطی‌ها ابزار قدرتمندی برای عضوگیری می‌دهد، چهارم؛ دایره‌ی تروریست‌های بالقوه و هواداران آن‌ها را گسترش می‌دهد، پنجم؛ به رادیکالیسم اسلامی در اروپا و آسیا کمک می‌کند" (Mearsheimer, John J. & Walt Stephen M, 2007, p 338-339).

#### ۱-۱. هزینه‌های اقتصادی و مالی سالانه

درگیری‌های خاورمیانه برای آمریکا بسیار پر هزینه بوده است و درگیری‌های این منطقه در مقایسه با بقیه‌ی جهان پرهزینه‌تر است. برآورد کل هزینه‌های جنگ و بی‌ثباتی در منطقه، که نشأت گرفته از درگیری اسرائیل و فلسطین است، تقریباً چهار برابر بیشتر از هزینه‌های جنگ ویتنام می‌شود (Stauffer, Thomas R. 2003, p1).

ایالات متحده آمریکا سالانه و به طور مستقیم، سه میلیارد دلار به اسرائیل کمک می‌کند که بزرگ‌ترین بخش آن کمک نظامی است. این مبلغ بالاترین رقم کمک مالی واشنگتن به یک کشور محسوب می‌شود و تاکنون به مبلغی بیش از یکصد و پنجاه میلیارد دلار رسیده است. بنا به تأیید میرشایمر و والت، اسرائیل در میان کشورهای دریافت‌کننده‌ی کمک مالی از آمریکا تنها دولتی است که کل این مبلغ هنگفت را یک‌جا و در ابتدای هر سال مالی دریافت کرده است و در قبال نحوه‌ی خرج کردن آن نیز هیچ الزامی به پاسخگویی در برابر دولت آمریکا ندارد (Ibid, pp. 24-31).

«شرل مک آرتور» افسر بازنشسته‌ی سرویس خارجی ایالات متحده نیز معتقد است: "اسرائیل بزرگترین دریافت‌کننده‌ی کمک‌های ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود" (McArthur, Shirl, 2008, p3).

«توماس استافر»، مهندس و اقتصاددان آمریکایی و استاد دانشگاه واشنگتن‌دیسی در محاسبات خود اثبات کرده که اگر چه ظاهراً آمریکا سالانه ۳ میلیارد دلار به اسرائیل پول می‌دهد اما عملاً ۳ تریلیون دلار هزینه برای ایالات متحده‌ی آمریکا در بر دارد.

این استاد اقتصاد معتقد است بودجه‌ی رفاه همگانی فقط معادل ۶۰ درصد هزینه پرداخت شده برای اسرائیل است. بر اساس آمار، اقتصاد آمریکا برای اسرائیل به طور مستقیم ۱ تریلیون و ۷۰۰۰ دلار و به طور غیرمستقیم ۱ تریلیون و ۳۰۰۰ دلار از طریق بالا رفتن قیمت نفت

می‌پردازد. هم‌چنین بر اساس آمار رسمی، حقوق ۲۷۵ هزار متخصص آمریکایی مساوی کمک سالانه به اسرائیل است. ریچارد نیکسون در زمان حضورش در کاخ سفید گفت: " ما ۶۰۰ میلیارد دلار در جنگ اسرائیل تولید ناخالص ملی را از دست دادیم و ۴۵۰ میلیارد اضافه پرداخت برای واردات نفت داشتیم و هزینه‌های اضافی برای مالیات‌دهندگان بین ۷۵۰ میلیارد تا یک تریلیون دلار بود."

(Christopher Bollyn, 2009. see the link: <http://rense.com/general41/trill.htm>)

#### ۱-۲- مخدوش شدن رابطه‌ی آمریکا با جهان اسلام

با توجه به این که قدس قبله‌ی اول مسلمانان جهان و بر مبنای آیات قرآن، خیر و برکت برای همه‌ی مسلمانان است لذا اسرائیل که در حال حاضر، با غصب و اشغال سرزمین‌های فلسطینی موجبات خشم مسلمانان جهان را فراهم ساخته است. بر این مبنای هر گونه حمایتی دولتی اعم از سیاسی و اقتصادی، مادی و معنوی از این رژیم برای مسلمانان در حکم حمایت از کل سیاست‌های اسرائیل است و به معنی خصومت کشور حمایت کننده با کل جهان اسلام است. در این میان ایالات متحده‌ی آمریکا که از ابتدای تأسیس دولت اسرائیل همواره خود را از حامیان اصلی این رژیم می‌دانسته<sup>۱</sup> و در عمل بیشترین کمک را به این دولت کرده است، جایگاه خاصی در بین دشمنان جهان اسلام داشته و دارد و می‌توان پیش‌بینی کرد که تا این حمایت‌های بی دریغ ادامه داشته باشد روابط کشورها و خصوصاً ملت‌های اسلامی با آمریکا رو به بهبودی نخواهد رفت و این نکته را به خوبی می‌توان در تظاهرات مردمی در سالگرد روز قدس مشاهده کرد.

بیداری اسلامی نشان از این حقیقت دارد که فرهنگ مقاومت و ظلم‌ستیزی روز به روز در حال گسترش در میان ملل مسلمان است و کشورها و ملت‌های جهان اسلام موضعی همواره ضد آمریکایی داشته و دارند. خصوصاً بعد از ۱۱ سپتامبر که ایالات متحده به طور یک‌جانبه‌ای جنبش‌ها و برخی کشورهای اسلامی را متهم به دست‌داشتن در حوادث تروریستی نمود.

۱. "ایالات متحده اولین کشوری بود که اسرائیل را در سال ۱۹۴۸، دقیقاً بعد از اعلامیه‌ی استقلال آن به رسمیت شناخت و همبستگی‌های عمیق دوستی بین ایالات متحده و اسرائیل مانند همیشه غیر قابل شکست و قوی می‌ماند...مردم آمریکا و مردم اسرائیل پیمانی را در آینده سهیم هستند و اعتقاد دارند که دموکراسی‌ها می‌تواند سرنوشت آنان را رقم بزند و این امکانات باید برای همه وجود داشته باشد. در سراسر تاریخ شگفت‌آورش اسرائیل به این تعهد روح داده است" (سخنرانی باراک اوباما در حمایت از اسرائیل قابل دسترسی در لینک زیر: <http://www.jewishvirtuallibrary.org>).



مجموعه آثاری که در راستای واکنش آمریکا به ۱۱ سپتامبر منتشر شده است، اسلام، مسلمانان و جنبش‌های اسلام سیاسی را از منظر حملات ۱۱ سپتامبر تحلیل نموده و به طور صریح یا ضمنی ساختار طبیعی فرهنگ اسلامی را خشونت‌گرا و در تعارض با ارزش‌های غربی نظیر دموکراسی و حقوق بشر تصویر می‌کند (رفعت سید احمد و عمرو الشبوکی، ۱۳۸۷، ۲۱۷) و به ترویج اسلام‌هراسی می‌پردازد که این رویکردها و عملکردها تا به امروز سبب واگرایی بیشتر میان آمریکا و جهان اسلام شده است. قوت یافتن مباحثی هم‌چون «هلال شیعی» و احتمال سهم‌خواهی بیشتر شیعیان از قدرت سیاسی و اقتصادی، احساس عدم اطمینان و تهدید میان دو طیف یاد شده، وجهی دوسویه دارد. به عبارت دیگر همان‌طور که آمریکا در چهار مقوله‌ی عمده (از جمله: اول) تروریسم، دوم) افزایش احساسات ضدآمریکایی، سوم) تلقی از اسلام به عنوان مانعی برای گسترش دموکراسی، و چهارم) قدرت یافتن شیعیان در خاورمیانه؛ احساس تهدید از جانب اسلام دارد، جهان اسلام نیز مجموعه اقدامات آمریکا را خطری می‌داند که از یکسو ماهیت اسلام و از سوی دیگر منافع جهان اسلام را نشانه رفته است. در تدوین سیاست خارجی آمریکا در قبال جریان‌ات اسلامی، نفوذ دو جریان لابی اسرائیل و راست مسیحی (انجیلیون)، غالباً موجب شکل‌گیری رویکردی تهاجمی و سلبی شده است (هرمزی، ۱۳۸۷، ۱۱).

### ۱-۳-۳- هزینه‌های مرتبط با جنگ‌های منطقه‌ی خاورمیانه

ایالات متحده‌ی آمریکا در برخی از جنگ‌های منطقه‌ی خاورمیانه مانند جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان و ۲۲ روزه‌ی غزه که بصورت مستقیم به دلیل تأمین امنیت اسرائیل آغاز شده‌اند به عنوان حامی اصلی اسرائیل حاضر شد و با استناد به گزارش‌های بین‌المللی و نیز شکست قطعی اسرائیل در نیل به اهدافش در این جنگ‌ها، نتیجه‌ی این جنگ‌ها چیزی جز بجا ماندن هزینه‌های بالای اقتصادی و سیاسی برای این کشور نبوده است.

### ۱-۳-۱- هزینه‌های جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان

به رغم سانسور خبری صهیونیست‌ها، اسناد افشا شده ابعاد محرمانه‌ای از اسرار جنگ ۳۳ روزه و خسارات خیره‌کننده‌ی رژیم صهیونیستی در این جنگ را فاش کرده است. در این چارچوب مرکز فرانسوی "محور منطق" «Axis of logic» که در ایالت ماساچوست آمریکا

فعالیت می‌کند، خلاصه نسخه‌ای از گزارش سرّی خود را درباره‌ی جنگ ۳۳ روزه به همراه تصاویر و نقشه‌های رسمی روی خروجی پایگاه اینترنتی خود قرار داد. این گزارش به آمار خیره‌کننده‌ی تلفات و خسارات رژیم صهیونیستی در جریان این جنگ اشاره می‌کند و سانسور خبری شدید این رژیم را در انتشار اخبار تلفات نیروهای خودی برملا می‌نماید. بر اساس این گزارش رسمی در این جنگ دو هزار و ۳۰۰ اسرائیلی کشته و بیش از ۷۰۰ نفر زخمی شده‌اند، این در حالی است که اسرائیل آمار تلفات این جنگ را ۱۱۹ نفر ذکر کرده است. هم‌چنین تعداد ۱۶۰ تانک متعلق به اسرائیل منهدم شده‌اند که ۶۵ دستگاه از آن‌ها به طور کامل از بین رفته است، ۳۸ دستگاه از این تانک‌ها نیز از نوع "مرکاوا" بودند که اسرائیل ادعا می‌کرد این تانک‌ها غیر قابل انهدام هستند. تنها در ناوشکن ساعر که توسط نیروهای حزب‌الله منهدم شد بیش از ۲۴ صهیونیست کشته شدند که اسرائیل این رقم را چهار نفر اعلام کرده بود. برکناری بسیاری از سران ارتش از جمله «دان هالوتس»<sup>۱</sup> و «امیر پرتز»<sup>۲</sup>، انزجار جامعه‌ی اسرائیل از دولت، بحران شدید مالی و تنش سیاسی حاکم بر تل آویو در کنار خسارت‌های مالی ناشی از جنگ، اضمحلال داخلی اسرائیل را در پی داشت. از دیگر پیامدهای جنگ ۳۳ روزه آن‌که اولمرت در سرایشی سقوط قرار گرفت، طرح‌های صهیونیست‌ها یکی پس از دیگری در برابر مقاومت ملت فلسطین با شکست مواجه شد و سرانجام این رژیم وادار به پذیرش واقعیت حماس و اجرای آتش بس با غزه گردید. فعالیت صهیونیست‌ها مبنی بر مذاکره با لبنان و سوریه درباره‌ی شبعاً و جولان نیز از دیگر پس لرزه‌های جنگ ۳۳ روزه است (Brian Harring, 2007).

در همین حال گزارش کمیته‌ی «وینوگراد» پیرامون جنگ ۳۳ روزه بر پیروزی ملت لبنان اعتراف کرد که به رغم عدم برتری تسلیحاتی و صرفاً با تکیه بر مقاومت توانستند در برابر ارتش اسرائیل که از حمایت‌های خارجی برخوردار بودند، قرار بگیرند. الیاهو وینوگراد<sup>۳</sup>، قاضی بازنشسته‌ی اسرائیلی به این موضوع اعتراف کرد که اسرائیل صرفاً در برابر مقاومت است که ناکام می‌ماند و در صورت وجود سازش کاران به توسعه‌طلبی خود ادامه می‌دهد. وینوگراد که از سوی دولت اسرائیل مسئولیت یافته بود تا درباره‌ی جنگ با لبنان تحقیق کند، در گزارشی تأکید کرده است: این جنگ یک شکست بزرگ و جدی بود و اشتباهات فاحشی در سطوح عالی سیاسی و نظامی در قبال این جنگ صورت گرفت. وینوگراد به این نتیجه رسیده است که

1. Dan Halutz.

2. Amir Peretz.

3. Eliyahu Winograd.

" وارد شدن به جنگ بدون در نظر گرفتن استراتژی خروج، یک اشتباه وحشتناک بود." در گزارش نهایی وینوگراد هم‌چنین آمده است: "عملیات نظامی زمینی نتوانست به اهدافش دست یابد" (Winograd Committee Press Release Monday, 30 April, 2007).

جنگ ۳۳ روزه موجب گردید تا تزلزل اسرائیل آهنگ تندتری به خود بگیرد، برای نشان دادن اهمیت این شکست و هزینه‌ی هنگفتی که ایالات متحده و اسرائیل پس از آن پرداخت کرده‌اند به ذکر جمله‌ای از «دیوید بن گوریون»، از معماران اصلی طراحی اسرائیل در منطقه بسنده می‌شود. بن گوریون به صراحت می‌گوید: "برای اعراب اهمیتی ندارد که چندبار در جنگ‌ها از اسرائیل شکست بخورند، اما برای اسرائیل اولین شکست به منزله‌ی فروپاشی آن تلقی می‌گردد" (اسلامی، ۱۳۸۸، ۳۹۶).

#### ۱-۳-۲- جنگ ۲۲ روزه‌ی غزه

اسرائیل که به رغم ۱۸ ماه محاصره و حملات متعدد به غزه نتوانست به اهداف خود دست یابد در دسامبر ۲۰۰۸ حملات همه‌جانبه‌ای را علیه ۱/۵ میلیون ساکن غزه آغاز کرد. هر چند اسرائیل از تمام ادوات و تجهیزات نظامی از جمله بمب‌های فسفوری و شیمیایی برای کشتار دسته‌جمعی فلسطینی‌ها بهره برد، اما در نهایت پس از ۲۲ روز به عقب‌نشینی از نوار غزه و اعتراف به شکست در برابر مقاومت وادار شد. تحولات جنگ ۲۲ روزه و چند سال گذشته غزه، هزینه‌های بسیاری برای اسرائیل و به تبع آن ایالات متحده آمریکا داشته است که مهمترین آن‌ها به طور خلاصه عبارتند از:

نخست- اسرائیل با وجود صرف هزینه‌های هنگفت در این جنگ، سبب اتحاد بیشتر مردم غزه و حتی کشورهای جهان اسلام شد؛ چراکه دریافتند می‌توان در برابر ارتش پیشرفته و قدرتمند اسرائیل مقاومت کرد و تن به شکست نداد و دیگر ملت‌ها نیز می‌توانند با الگوگیری از مقاومت مردم غزه بر حکومت‌های سلطه‌گر پیروز شوند.

دوم- خیزش افکار عمومی جهان حتی در اروپا و آمریکا به حمایت از مقاومت مردم غزه برخاست که نمود آن را می‌توان در تظاهرات ضد صهیونیستی و تشکیل کاروان‌هایی مانند شریان حیات، ناوگان آزادی غزه و در نهایت گزارش کمیته‌ی حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره‌ی جنایات صهیونیست‌ها در جنگ غزه (گزارش گلدستون) مشاهده کرد. این خیزش و برانگیخته شدن افکار عمومی نسبت به جنایات اسرائیل در غزه در واقع چهره‌ی واقعی این رژیم جعلی و حامیان آن بخصوص آمریکا را برای مردم سراسر جهان آشکار کرد.

(<http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=32057>)

#### ۱-۴- افزایش احساسات ضد آمریکایی در جهان

مطالعه‌ای مقایسه‌ای در ۲۳ کشور نشان می‌دهد که آمریکا به عنوان کشوری که بیشترین تأثیر منفی را بر جهان داشته، شناخته شده است. اکثریت مردم ایران، اندونزی، پاکستان، ترکیه، اردن، سوریه و لبنان، آمریکا را به‌عنوان تهدید نظامی علیه امنیت ملی خود در نظر می‌گیرند (لطفیان و رهنورد، ۱۳۸۶، ۱۷۱-۲۰۸).

یکی از مهمترین دلایل کاهش محبوبیت ایالات متحده در میان مردم جهان حمایت همه‌جانبه و بی‌چون و چرای این کشور از اسرائیل است. «ریچارد اچ کورتیس» افسر بازنشسته‌ی خدمات خارجی ایالات متحده معتقد است: "اسرائیل به وجهه و اعتبار بین‌المللی ایالات متحده آسیب وارد کرده است. به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها به طور مداوم در خصوص شکست سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه شگفت زده می‌شوند و این ناشی از جهل عمیق در مورد مناقشه‌ی اسرائیل و فلسطین است که ناشی از بی‌میلی جریان‌های اصلی رسانه‌ای ایالات متحده به ارائه‌ی این حقایق عینی است. حکومت‌های کشورهای خاورمیانه که مدت‌ها ایالات متحده را به عنوان پشتوانه‌ی خود در برابر استعمار اروپا می‌دیدند، در حال حاضر با دشواری می‌توانند حفظ روابط دوستانه با ایالات متحده آمریکا را توجیه کنند" (Curtiss, Richard H. 1999, pp 3-4).

بسیاری از مردم جهان امروزه به دولت آمریکا به عنوان کشوری می‌نگرند که به دنبال گسترش تسلط و هژمونی خود در جهان است. اعتراض‌ها علیه گسترش سلاح‌های هسته‌ای عموماً بر سلاح‌های هسته‌ای آمریکا متمرکز هستند، تظاهرات ضد جنگ هم غالباً در خصوص جنگ‌هایی که آمریکا در آن‌ها دخیل است، برگزار می‌شوند.

هوگو چاوز، رئیس‌جمهور فقید ونزوئلا، جورج بوش را با هیتلر و شیطان مقایسه می‌کرد. اکنون نه فقط سوسیالیست‌ها و بسیاری از گروه‌های دینی با آمریکا و نمادهایش مخالفت می‌کنند، بلکه پس از حمله‌ی جورج بوش به افغانستان و عراق و تأسیس زندان گوانتانامو در خارج از چهارچوب موازین قضایی آمریکا، فعالان و سازمان‌های مدافع حقوق بشر نیز به منتقدین آن کشور پیوسته‌اند. احساسات ضد آمریکایی در ایران نیز از زمان طراحی و اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر محمد مصدق ریشه گرفت (Stephen Kinzer, 2003, p 272).

اما زادگاه تفکرات ضد آمریکایی در غرب، کشور فرانسه است. منتقدان آمریکا در فرانسه نه تنها از دولت آمریکا و سیاست‌هایش، بلکه از نمادهای آمریکا مثل کوکاکولا و مک‌دونالد

دوری می‌کنند. سینمای هالیوود نیز که نمادی قدرتمند از فرهنگ عامه‌ی آمریکایی است، به همان اندازه میان این افراد منفور است. فرانسوی‌ها می‌گویند اگر با فرد منفوری مثل جورج بوش هم موافق بودند، او را نیز تحسین می‌کردند. اما ریشه این روحیه ضد آمریکایی آنها، به قول خودشان، سیاست‌های خارجی آمریکاست. خصوصاً سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه که همواره همراه با خشونت و اشغال و غیره بوده، بیشترین اثر را در افزایش احساسات ضد آمریکایی در فرانسه و در جهان داشته است.

ایالات متحده‌ی آمریکا از زمان پرتاب بمب اتمی در هیروشیما و ناکازاکی، جنگ ویتنام، جنگ دو کره، جنگ خلیج فارس، جنگ ایران و عراق، جنگ و اشغال افغانستان، جنگ و اشغال عراق و نیز جنگ ۳۳ روزه لبنان و ۲۲ روزه غزه و حمایت‌های یک‌سویه از اسرائیل، در بین افکار عمومی جهان جایگاه خود را از دست داده و کاملاً به یک دولت زورگو و خشن تبدیل شده است و آن هژمونی خیالی خویش را هرگز نتوانسته حتی به زور سلاح‌های کشتار جمعی بر جهان به‌دست آورد. در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ به خاطر حملات شدید اسرائیل به کرانه باختری و نوار غزه و مقاومت دلیرانه‌ی مردم این سرزمین، برخی از مسلمانان و اعراب آمریکا، به ویژه دانشجویان به شکل رسمی و غیررسمی خرید کالاهای آمریکایی را تحریم نمودند. شرکت‌هایی مانند «برگر کینگ» و «استارباکز کافی تحریم» و مجبور شدند شعب خود را در برخی کشورهای عربی تعطیل کنند (جنیس جی. تری، ۱۳۸۸، ۱۵۳).

۱-۵- از دست رفتن فرصت‌های ویژه‌ی سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی نفت و گاز، کشتیرانی در ایران همان‌طور که در بررسی نظریه‌ی تحلیل هزینه-منفعت بیان شد، مجموع حاصل ضرب پیامدهای یک گزینه در احتمال تأثیرگذاری آن، ارزش مورد انتظار برای هر گزینه را مشخص می‌کند. ارزش مورد انتظار هر گزینه، مطلوبیت آن را نشان می‌دهد و تفاضل این ارزش با بهترین ارزش، فرصت از دست‌رفته به شمار می‌آید. فرصت از دست‌رفته، هزینه‌ی عدم انتخاب گزینه‌ی بهینه و به نوعی "زیان عدم نفع" است که در مکانیزم تصمیم‌گیری استراتژیک می‌بایستی به صفر (حداقل) رسانده شود (Henry M. Levin, Patrick j. McEwan 2006).

در خصوص حمایت بی‌چون و چرای ایالات متحده‌ی آمریکا از اسرائیل، ارزش مورد انتظار برای ایالات متحده حمایت همه‌جانبه از اسرائیل در عین داشتن رابطه‌ی مناسب با دیگر کشورهای عربی و اسلامی در منطقه است. با احتمال خوش‌بینانه، وقوع آن ممکن است از طریق

مذاکرات صلح و سازش بین اسرائیل و کشورهای عربی با میانجی‌گری آمریکا دنبال و محقق شود. و این در حالیست که بهترین ارزش در مورد این مثال می‌تواند تعامل دوجانبه و همکاری ایران و آمریکا در زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری نفت و گاز و کشتیرانی و غیره باشد تا کشورهای رقیبی مانند روسیه و چین از صحنه‌ی رقابت کنار بروند. و این وضع مطلوبی از منظر ایالات متحده است که تا قبل از سال ۱۳۵۷ و وقوع انقلاب اسلامی در ایران، رژیم پادشاهی ایران در حال محقق کردن آن بود و ایران عملاً تبدیل شده بود به جزیره‌ی ثبات برای ایالات متحده‌ی آمریکا، که در حال حاضر این وضع مطلوب بدلیل نوع حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل در منطقه و به تبع آن عدم عقب‌نشینی جمهوری اسلامی ایران از مواضع خود، محقق نشده است و فرصت‌های بسیاری را از ایالات متحده در خصوص همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف گرفته است.

شرل مک آرتور افسر بازنشسته‌ی سرویس خارجی ایالات متحده معتقد است: "... هزینه‌های کمک به اسرائیل غیر از هزینه‌های ناشی از تهاجم و اشغال عراق - که صدها میلیارد دلار برآورد می‌شود - بوده است. به علاوه، مرگ و میر بی‌حد و حصر هزاران نفر از نیروهای ایالات متحده در عراق، به اعتقاد بسیاری از افراد در جهان عرب، در جهت تأمین منافع اسرائیل بوجود آمده است. در میان سایر هزینه‌های "غیر مستقیم و یا متعاقب دیگر هزینه‌ها" می‌توان هزینه‌های تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه‌ی ایالات متحده بر ضد ایران، عراق، لیبی و سوریه را نیز اضافه نمود. هزینه‌ی تحریم تولید کنندگان عرب، و هزینه‌های شرکت‌های ایالات متحده و مصرف‌کنندگان از سال ۱۹۷۳ و تحریم نفتی اعراب و در نتیجه افزایش قیمت نفت به عنوان پیامدی از حمایت ایالات متحده از اسرائیل محسوب می‌شود" (McArthur, Shirl, 2008, p2).

## ۲- منافع

باید خاطر نشان کرد که در کنار هزینه‌های فوق، این حمایت همه‌جانبه منافع زیر را نیز برای آمریکا در بر داشته است:

### ۲-۱- حمایت همه‌جانبه‌ی لابی اسرائیلی از آمریکا

لابی اسرائیل در آمریکا یکی از نمونه‌های منحصر به فرد لابی‌گری و قدرت لابی در سیاست داخلی و خارجی است. حمایت این لابی و نقش بی‌بدیل آن در به قدرت رسیدن افراد،

گروه‌ها و احزاب مختلف در آمریکا تا حد زیادی روشن‌گر چند و چون منافع دولت‌های مختلف در ادوار گوناگون در حمایت از اسرائیل است. در واقع دلیل اصلی جهت‌گیری سیاست آمریکا نسبت به اسرائیل نقشی است که این کشور برای آمریکا در حوزه‌ی سیاست داخلی و خارجی ایفا می‌کند. اسرائیل به شکست حرکت‌های ناسیونالیست رادیکال در لبنان، اردن، یمن و فلسطین کمک کرده است، نیروی هوایی آن‌ها بر سراسر منطقه مسلط است. موساد با سیا و دیگر سرویس‌های آمریکا در جمع‌آوری اطلاعات و عملیات پنهانی همکاری کرده است. اسرائیل موشک‌هایی دارد که توان رسیدن به روسیه را دارند و این رژیم با مجتمع نظامی-صنعتی آمریکا و پژوهش و توسعه برای جت‌های جنگنده‌ی جدید، سیستم دفاع ضد موشکی و حتی ابتکار دفاع استراتژیک همکاری کرده است. اسرائیل مقام نخست را در جهان در تولید و تکامل هواپیماهای بدون سرنشین دارد که امکان نظارت دقیقی را بدون ایجاد خطر فراهم می‌سازد (سعیدی نژاد، ۱۳۸۰، ۱۶۵-۱۸۲). لابی صهیونیستی با اتکا به همین توانایی‌های نظامی و نیز اقتصادی است که می‌تواند همه‌جانبه از منافع ایالات متحده این شریک قدیمی خود حمایت کند و در عوض حمایت متقابل آمریکا در مجامع عمومی نظیر سازمان ملل را بدست آورد.

۲-۲- سود سرشار کمپانی‌های تولید سلاح آمریکایی به دلیل شرایط امنیتی منطقه‌ی خاورمیانه شرکت‌های تولید سلاح در ایالات متحده‌ی آمریکا به سبب شرایط امنیتی و خاص منطقه‌ی خاورمیانه همواره سودهای سرشاری را تحصیل کرده‌اند و یکی از بزرگترین دلایل امنیتی بودن منطقه را می‌توان حضور اسرائیل و جنگ افروزی‌های پی در پی این رژیم دانست. لذا بین سود سرشار این شرکت‌ها و وجود اسرائیل در منطقه‌ی خاورمیانه رابطه‌ی مستقیمی برقرار است و هرچه فضای حاکم بر منطقه خاورمیانه امنیتی‌تر باشد، سود بیشتری عاید این شرکت‌های عظیم تولید سلاح خواهد شد. چرا که کشورهای عربی همواره از جانب اسرائیل احساس تهدید می‌کنند و برای رفع این احساس دست به خرید تسلیحات مدرن از آمریکا می‌زنند به عنوان مثال با تأیید سنا برای فروش هواپیماهای F15 به عربستان در سال ۱۹۷۸، پنتاگون تلاش کرد آواکس، یعنی سیستم کنترل و هشدار هوایی را نیز به سعودی بفروشد، چرا که بسیار درآمدزا بود و کاخ سفید عامل این درآمدزایی را اسرائیل و تهدیدات بالقوه‌ی این رژیم برای کشورهای منطقه می‌داند (جنیس جی. تری، ۱۳۸۸، ۱۵۸-۱۵۹).

## نتیجه‌گیری

امروزه نیاز به در نظر گرفتن هزینه‌ها و منافع یک تصمیم در صحنه‌ی روابط بین‌الملل امری کاملاً ضروری است، همان‌طور که در متن مقاله نیز اشاره شد بر اساس نظریه‌ی تصمیم‌گیری عقلایی (Rational Decision Theory) بازیگران، تصمیم‌گیرنده‌های منطقی و عقلایی هستند و سود و زیان احتمالی هر عمل را محاسبه کرده و بهترین تصمیم را با استفاده از عقل و منطق خود بر می‌گزینند. بر این مبنا، نظریه‌ی تحلیل هزینه-منفعت یکی از نظریاتی است که اساس تحلیل برای تصمیم‌سازان نظام بین‌الملل قرار گرفته است. بر مبنای این نظریه، منافع یک تصمیم در کنار هزینه‌های آن قرار گرفته و مشخص می‌شود که کدام یک نسبت به دیگری سنگین‌تر است. پاسخ به این سؤال منجر به تداوم تصمیم، اصلاح آن و یا لغو آن می‌گردد. در صورتی که هزینه‌های یک تصمیم از منافع آن بیشتر برآورد گردد، گزینه‌ی پیش روی تصمیم‌گیران اصلاح یا لغو تصمیم و سیاست مورد نظر خواهد بود.

در این تحقیق، سیاست ایالات متحده‌ی آمریکا در خصوص حمایت همه‌جانبه از رژیم اسرائیل مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت و مشخص شد: علاوه بر کمک‌های هنگفت سالانه‌ی مالی، مخدوش شدن رابطه‌ی آمریکا با جهان اسلام، هزینه‌های مرتبط با جنگ‌های متعدد در خاورمیانه، که به بهانه‌ی تأمین امنیت اسرائیل آغاز شده‌اند؛ نظیر جنگ‌های ۳۳ روزه لبنان و ۲۲ روزه غزه و افزایش احساسات ضد آمریکایی در جهان، در زمره هزینه‌های حمایت ایالات متحده از اسرائیل به شمار می‌روند.

بنا بر دیدگاه «ریچارد اچ کورتیس» افسر بازنشسته‌ی سرویس خارجی آمریکا: "علاوه بر هزینه‌های مالی حمایت آمریکا از اسرائیل، فارغ از درست یا غلط بودن این سیاست، اعمال این سیاست هزینه‌های بسیاری به پرستیژ و اعتبار آمریکا خارج از کشور تحمیل کرده است. علاوه بر این، لابی قدرتمند اسرائیل در ایالات متحده عامل اصلی در به تأخیر انداختن اصلاحات مالی، و نیز در حذف برخی از خدمت‌گزاران مردم، اعضای کنگره و حتی رئیس‌جمهور از زندگی سیاسی آمریکا بوده است. در نهایت، رابطه‌ی اسرائیل و آمریکا هزینه‌ی قابل توجهی بر زندگی آمریکایی‌ها داشته است. به عنوان مثال، در رسانه‌ها گزارش شده است، حوادثی که در آن‌ها، صدها تن از پرسنل خدماتی، دیپلمات‌ها، و افراد غیر نظامی ایالات متحده، در خاورمیانه کشته شده‌اند... که همه‌ی اینها ناشی از این است که اسرائیل محور سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده آمریکا است (Richard H Curtiss, 1999, p1).



در برابر این هزینه‌ها، جلب و تضمین حمایت همه‌جانبه‌ی لابی صهیونیستی و اسرائیل از دولت آمریکا در کنار تأمین منافع اقتصادی از جمله سود سرشار کمپانی‌های تولید سلاح در آمریکا به سبب شرایط امنیتی منطقه‌ی خاورمیانه در زمره‌ی منافع حمایت آمریکا از اسرائیل می‌باشد. به نمایش گذاردن چهره‌ی یک دوست و متحد وفادار از آمریکا در نظام بین‌الملل می‌تواند از دیگر منافع احتمالی آمریکا در این راستا تلقی شود. به طور خلاصه مهم‌ترین دلیل حمایت ایالات متحده از اسرائیل با وجود سنگینی هزینه‌ها بر منافع آن را می‌توان "نفوذ لابی اسرائیل در همه شئون و ساختارهای حکومتی آمریکا" دانست.

یافته‌های تحقیق «فرانکلین لمب»<sup>۱</sup> محقق آمریکایی که برای جامعه‌ی اطلاعاتی آمریکا انجام گرفته عبارت است از این‌که: منافع ملی آمریکا در تضاد عمیق با منافع اسرائیل قرار دارد. در آن تحقیق که نتایج آن در یک گزارش ۸۲ صفحه‌ای با عنوان "آمادگی برای خاورمیانه‌ای بدون اسرائیل" منعکس شده به صراحت بر این نکته تأکید شده که اسرائیل هم‌اکنون بزرگ‌ترین تهدید در برابر منافع ملی آمریکا است زیرا ماهیت و رفتار این رژیم از برقراری روابط عادی بین آمریکا و جهان عرب و اسلام و همچنین، به صورت فزاینده‌ای با جامعه‌ی بین‌المللی جلوگیری می‌کند."

(<http://www.haaretz.com/news/features/reports-of-israel-s-death-are-greatly-exaggerated-premium-1.471213>).

لابی طرفدار اسرائیل در آمریکا در تقویت و استمرار روابط خدشه‌ناپذیر آمریکا و اسرائیل نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای داشته است. و اعتقاد سران ایالات متحده به قدرت تردیدناپذیر لابی مذکور یکی از عواملی است که در تقویت نفوذ و قدرت لابی اسرائیل اثرگذار است.

با روی کار آمدن دولت جدید در ایران که با تغییر رویکرد و روش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اعتدال و دیپلماسی فعال همراه شده است، ایران می‌تواند با تلاش برای تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط خود با قدرت‌های بین‌المللی از جمله ایالات متحده‌ی آمریکا به سمت تضعیف لابی صهیونیستی گام بردارد.

به نظر می‌رسد دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی در حوزه‌ی دیپلماسی عمومی می‌تواند از طریق تعاملات دیپلماتیک با مجامع علمی و سخنرانی در دانشگاه‌ها و دیگر مجامع علمی

1. Franklin Lamb.

آمریکا به طور غیر مستقیم بر افکار عمومی، نخبگان و تصمیم‌سازان سیاسی در کاخ سفید و کنگره تأثیر گذارد. دلیل این امر این است که حکومت آمریکا هر وقت اراده کرده توانسته است در برابر فشار لابی‌های مختلف مقاومت کند و سیاست خود را مستقل از اعمال فشار لابی‌ها تنظیم نماید. برای مثال می‌توان به فروش جنگ افزارهای پیشرفته ایالات متحده‌ی آمریکا به عربستان سعودی (برخلاف میل لابی اسرائیل) و نیز برقراری روابط دیپلماتیک با چین (برخلاف نظر لابی تایوانی) در دهه‌ی هفتاد میلادی اشاره کرد.

جمهوری اسلامی ایران با تقویت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی خویش در این دوره‌ی تاریخی که اختلافات لابی اسرائیل با منافع ایالات متحده در خاورمیانه در حال شکل‌گیری است، می‌تواند با ایران هراسی رسانه‌ای که در طول سال‌های گذشته روز به روز شدت پیدا کرده است مبارزه کرده و تصویری واقعی‌تر از ایران به جهانیان معرفی نماید تا از این طریق بر فشارهای افکار عمومی آمریکا بر روی حکومت خود تأثیر گذاشته و بیش از پیش هزینه‌های حمایت از اسرائیل را در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا افزایش دهد.

## منابع

## الف) فارسی

- اسلامی، محسن، (۱۳۸۸)، سیاست خارجی اسرائیل، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- پتراس، جیمز، (۱۳۸۷)، قدرت اسرائیل در آمریکا، ترجمه حمید نیکو، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات اندیشه سازان نور.
- تری جنیس، جی، (۱۳۸۸)، سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه: نقش لابی‌ها و گروه‌های ذی نفوذ، ترجمه‌ی رضا قربانی و رضا سیمبر، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- سعیدی نژاد، حمیدرضا، (۱۳۸۰)، «چرا آمریکا به اسرائیل کمک می‌کند؟»، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، شماره ۵۷، بهار.
- سید احمد، رفعت و الشبوکی، عمرو، (۱۳۸۷)، آینده‌ی جنبش‌های اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر، ترجمه‌ی میثم شیروانی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- لطفعلی‌پور، محمدرضا، (۱۳۸۶)، «ارزیابی هزینه - فایده و تحلیل سیاست مجتمع مس سرچشمه»، فصلنامه‌ی بررسی‌های اقتصادی، دوره ۴، شماره‌ی ۳، پاییز.
- لطفیان، سعیده و رهنورد، حمید، (۱۳۸۶)، «امنیت در برابر آزادی‌های فردی: تحلیل هزینه‌ها و منافع سیاست ضد تروریسم دولت بوش»، فصلنامه‌ی سیاست (مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره‌ی ۴، زمستان.
- هرمزی، شانی، (۱۳۸۶)، گزارش راهبردی «رویکرد سیاست خارجی آمریکا در قبال جریان‌ات اسلام‌گرا»، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، خرداد.

## ب) انگلیسی

- Curtiss, Richard H. (1998), The Cost of Israel to the American Public, retrived from: <http://www.ifamericansknew.org/download/cost-new.pdf> on 25/12/2013.
- Stauffer, Thomas R. (2003), The Costs to American Taxpayers of the IsraeliPalestinian Conflict: 3Trillion, retrived from <http://www.Ifamericansknew.org/stats/stauffer.html> on 25/12/2013.
- McArthur, Shirl. ( 2008), A Conservative Estimate of Total Direct U.S. Aid to IsraelAlmost 114Billion, retrived from: <http://www.ifamericansknew.org/download/cost-new.pdf> on 25/12/2013.

- Brian Harring. (2006), "Israeli Invasion of Lebanon: Fact and Fiction" , Axis of logic, Thursday, Apr 5, 2007.
- Henry M. Levin, Patrick j. McEwan(2000), "Cost-Effectiveness Analysis: Method and Applications" ,Publisher: SAGE Publications, ISBN: 9780761919346, on 09/27/2000.
- Mearsheimer, John J. & Walt Stephen M. (2007), *The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy*, New York, Farrar, Straus and Giroux.
- Stephen Kinzer. (2003), *All the Shahs Men: An American Coup and the Roots of Middle East Terror*, Hoboken, ISBN: 047018549X, New Jersey: Publisher: John Wiley & Sons, June.
- Winograd Committee Press Release Monday, 30 April, 2007. Available at: <http://www.imra.org.il/story.php3?id=34083>
- [http://www.axisoflogic.com/artman/publish/article\\_24264.shtml](http://www.axisoflogic.com/artman/publish/article_24264.shtml)
- <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=32057>
- <http://www.washingtonpost.com/wpdyn/content/article/3/9/2010/AR2010090302200.html>
- <http://www.haaretz.com/news/features/reports-of-israel-s-death-are-greatly-exaggerated.premium-1471213/> Also Available at:
- <http://www.presstv.com/detail/2012/09/30/264293/7500-us-officials-serve-israel-interest/> <http://rense.com/general41/trill.htm>